خبر

استقبال از بخش کتاب نمایشگاه قرآن

رئیس بخش نشر مکتوب و دیجیتال سی‌امین نمایشگاه بین‌المللی قرآن‌کریم با اعلام این‌که در این دوره ۱۰۷ ناشر در نمایشگاه قرآن شرکت کرده‌اند، از استقبال چشمگیر مردم و ناشران از نمایشگاه کتاب امسال خبر داد. محمدحسین ظریفیان گفت: این دوره از نمایشگاه بین‌المللی قرآن مانند دوره‌های گذشته میزبان ناشران مکتوب و دیجیتال است. به‌دلیل ظرفیت بالای نمایشگاه بین‌المللی قرآن، شاهد استقبال بی‌نظیر ناشران در نمایشگاه امسال هستیم و در این دوره ناشران بیشتری نسبت به دوره‌های پیشین در نمایشگاه شرکت کردند. وی با اعلام این‌که ۱۰۷ ناشر در رواق شرقی مصلای حضرت امام خمینی(ره) مستقر هستند، ادامه داد: همچنان تعدادی از ناشران تقاضای دریافت غرفه و حضور دارند که تلاش می‌شود در نمایشگاه قرآن جانمایی شوند. ظریفیان با اشاره به استقبال زایدالوصف مردم از بخش نشر نمایشگاه امسال قرآن، یکی از سنت‌های مردمی در این نمایشگاه را کتب تفاسیر، کتب مرجع دینی و کتب ادعیه و زیارات عنوان کرد و افزود: همچنین در حوزه معارف قرآنی پژوهش‌های جدیدی در این نمایشگاه در دسترس مخاطبان قرار گرفته است اما لزوم سرمایه‌گذاری در حوزه دانشگاهی که ظرفیت خوبی دارد، همچنان احساس می‌شود. سی‌امین دوره نمایشگاه قرآن‌کریم تا ۲۶ فروردین، از ساعت ۱۷ تا ۲۴ در مصلای حضرت امام خمینی(ره) تهران ادامه دارد.



تأملی بر سیدالشهدای هنر انقلاب اسلامی

کنون آوینی، حیات آوینی



میراحمد میراحسان
منتقد

آوینی مرده است؟ آوینی، آوینی‌ست. آوینی چقدر نمی‌میرد؟ او به اندازه آوینی نمی‌میرد. اندازه آوینی کدام قدر، چه قدری است؟

نخست قدر شهید است. تردیدی نیست که او در «راه» کشته شده است. کدام راه؟ جاده جهادی در جغرافیای ایران که ملکوتش صراط مستقیم و استقامت بزرگ بندگان عاشق معبود یکتا در جهاد عظیم در راه ظاهری و باطنی عبودیت بود!

او کشته شد در حالی که عاقبت همه زندگی او، در معرفت و مشاهده غرق بود. یک کشته صرف نبود. هر چند نه تنها شهیدان (که ان‌شاءا... نزد خدا صاحب این مقام است) بلکه کسانی که در راه خدا به قتل می‌رسند یقینا نمی‌میرند، یقینا وعده داده شده که آنان، حی و حاضرند و رزق‌شان از سوی پروردگارشان کاست ندارد و فزونی دارد. می‌افزایدشان. مسلما او در این راه کشته شد. این باور اهل ایمان قطعی است و ریشه در وحی و نص دارد.

آوینی نیز به اندازه بندگی و خلوص و حضورش در محضر حق، نمی‌میرد. اما او قدر دیگری هم دارد اضافه بر کلیت شهادت و گواه بودن. او سیدالشهدای هنر انقلاب اسلامی است و هنر اصیل و ریشه‌دار، نمی‌میرد و صاحب هنر را شکوفا نگاه می‌دارد.

به عنوان انسان هنرمند، آوینی معصوم نبود و کم و کاست انسانی داشت که حتی بزرگان بری از این تفاوت و فاصله بزرگ با معصوم علیهم‌السلام نیستند. پس اغراق درباره او کار بیجایی است. نقد آرای سینمایی و پاره‌ای از تلقیات هستی‌شناسی او تحت تأثیر فلسفه و عرفان از سوی منتقدانش برهان دارد. اما پاره‌ای از نقدها محصول نگرش ایدئولوژیک متمایز منتقد با آوینی است. گفته می‌شود، روایت کلامی او در «روایت فتح»، نقص دارد. زیرا تصویر ماهیتی مستند و پر از زندگی واقعی دارد و کلام، فاخر، انتزاعی، تحمیلی و به ربط به این چهره‌های مردم و جوانان واقعی غالبا از طبقات زیر متوسط توده‌هاست.

این نقد پوزیتویستی چپ، راز حیات و عظمت انقلاب امام (ره) را درنیافته است و مهم‌تر راز هستی و آفرینش الهی را! مگر هستی انسان آمیزه شگفت روح مجرد با جسم خاکی و محسوس نیست؟ مگر انقلاب اسلامی محصول دمیدن روح در کالبد مرده ایران مدرن شده برده استکبار آمریکایی و مدرنیزاسیون دنیاگرای غرب نبود و خود آوینی مرده با انوار و انفجار نور ملکوتی و عالم غیب، زنده نشد؟

روایت فتح، دمیده روح ایمان و لاهوت

روایت فتح، آمیزه ایثار افراد معمولی و دمیده شدن روح ایمان و لاهوت است و این آمیزش شجاعانه و آفرینش خلاق، عمیقا با حقیقت رخداد هماهنگ و ممزوج شده و هنر اصیل و تأثیرگذار و ماندگاری آفریده که ربطی به برداشت غیرمذهبی ندارد.

به هر رو آوینی نقدپذیر است. اما کدام نقد. نفس و خلق و خوی انسان نامعصوم، مراتب دارد که هر مرتبه نسبت به مرتبه بعد واجد کاستی و نقص و رذائلی ظاهری و بیشتر باطنی و نهان است که با مشقت و سلوک رفع می‌شود. پس با همه اینها ما از مقام مانای آوینی و چهره رو به وجه‌اللهی او و محو بودنش در انوار سخن می‌گوییم؛ نه از عصمتش.

او دلداده مؤمن دارای معرفت نسبت به انقلاب اسلامی بود. پس تا زمانی که انقلاب اسلامی زنده است و زنده بودنش چه جمهوری اسلامی باشد و چه نباشد، بی‌تردید در تاریخ نبوی و جهد و قیام دینی و اسلامی تا ظهور امام قائم(عج) تداوم دارد و اگر همه بازگردند به شیطان و فساد، شجره طیبه انقلاب پاک امام سرسبز و ماندگار خواهد ماند و با او مؤمنان خالص انقلابی و عبد خدا که در شاخسارانِ گلشن آن مأوا دارند با همان قهقهه مستانه‌شان، زنده خواهند بود و این هم قدر دیگر حیات مرگ‌ناپذیر آوینی. در درخت زندگی انقلاب اسلامی تا قیام مهدی و فنا در آن و تبدیل شدن به سبزنای حیات مجدد و سبزی ابدی قیامتی است!

حالا می‌توان دید آن وجه پررنگ «نمی‌میرد» آوینی اصلش متصل است به هستی منتظر او که اصیل‌ترین جلوه ایمان او به غیب توحید و بندگی اوست. او از پیش سرگشته مشوش حقیقت موعود بود. با انقلاب اسلامی، با امام (ره)، نور انتظار موعود حقیقی (عج) را یافت و در دریای نیستی خود و هستی ناب معبود غرق شد. او با جانش در غیب شناور بود. امام غایب را راستگویانه عاشق بود و باور داشت و چشم به راه بود.

آوینی عاشق

آن عشق به قسط و عدالت جامع، آن بر آشفتگی از ظلم و تداوم لاابالی‌گری مسئولان غیرمسئول و سست‌کار و معطوف به دنیا و بی‌توجه به اجرای فرامین خدا در کار و خدمت به مردم، آن مهر به مستضعفان و پاسداری از وصایای امام، آن استواری و دوری و اعتراض برابر غرب‌گرایان و مسئولان نقابدار با توبه مدرن‌گرا و نولیبرال و چشم دوخته به شیطان بزرگ و فشل در کار انقلابی و... همه همه محصول انتظارش و درک ژرف از انقلاب و امام (ره) و وفاداریش به حق بود و همه جلوه‌های گوناگون نمی‌میرد و جانمایه مانایی آوینی است. حیات آوینی در کفر، مدرنیته، بت‌ها و بسترهای دنیوی ریشه ندارد. او آنجا نیست. او را در خدا جست‌وجو کنید. او در سایه‌سار ایمان به حق متعال می‌زید و خدا نمی‌میرد و شهیدان در آغوش او قهقهه مستانه‌شان به قدر عبودیت‌شان تا همیشه در رضوان الهی می‌پیچد.



پس پاسخ به پرسش حیات امروزی آوینی و آوینی اگر اکنون زنده بود؛ روشن است. قلوب و ایمان دست خداست و او عاقبت هرکس را بنا به حقیقت او رقم می‌زند و حقیقت انسان را سعی حقیقی و قلبی او و تلاش عمل او و جهد واقعی او تعیین می‌نماید.

پاسخ به پرسش حیات آوینی اهل عبودیت و عشق و توبه و تفکر و هنر و انقلاب و عاشق موعود عج الهی و راه انقلاب اسلامی و... دیگر دشوار نیست. او عدالت‌خواهی و منتظر امام منتظر (عج) و شیدای نور مجدد عصر ظلمات جهانی، این رهرو امام معصوم عصر غیبت (عج)، و سالک راه امام خمینی (ره)، منادی ایمان توحیدی و ایمان به غیب و اهل عمل صالح جهانی در کنون جهان بود . همه اماره و نشانه‌های اصیل گویای تمایز او با رفیقان نارفیق و نیمه‌راه است و معلوم می‌دارد تا جایی که به عقل و شناخت معقول و منطقی ما و تجربه و امور واقعیت‌های مجرب ربط دارد. اگر آوینی زنده و پایبند حقایق نورانی آوینی می‌ماند، حالا کجا ایستاده بود و اگر او حالا در میان ما می‌زیست در کجای ساحت تفکر و عمل اجتماعی و انقلابی یا رفرمیستی غربگرا یا براندازی برده دنیا و نفس و شیطان بزرگ می‌زیست؟

کنون آوینی در کجا می‌ایستاد

بی‌پرده بگوییم آوینی در کدام صورت‌بندی اعتقادی و سیاسی و دسته‌ها جاداشت؟

تا جایی که به سیمای باطنی او و کنش اجتماعی و دلدادگی‌ها و روان‌شناسی آوینی توبه‌کار ربط دارد و ویژگی قیام‌لله او در سایه قیام امام (ره) و باور نظری و عملی به آن و به تفاوت ایمان او با سیاست‌کاری نیروهایی جوان که نه بنا به تحول روحی و توبه بلکه شور و کشش و جذبه انقلاب وارد دریای مدافعان انقلاب اسلامی شدند؛ باید یقینا به جدایی او از همه دنیاطلبان کنونی و دسته‌های اصولگرا و رفرمیست غرق در چرب و شیرین دنیا رأی داد؛ زیرا بنای انقلابیگری آنان ایمان به غیب، توبه، جدی گرفتن خدا به‌عنوان تنها مرجع عبودیت در زندگی روزمره و همه مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در روز داوری قطعی، نبود. بی‌پرده‌تر بگویم در مرحله سیاسی/دینی، نشان عمیق وفا به انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و میراث امام (ره) است.

باید پرسید با این اوصاف آوینی منطقا امروز همچنان مؤمن به عالم غیب و اثر آن بر عمل اجتماعی و دلداده قسط و عدل و امام موعود عدل جهانی (عج) و مؤمن به ولی‌فقیه، عالم ربانی متصدی امور اجتماع و جمهوری اسلامی و مؤمنان جهان اسلام وفادار به او می‌زیست و بر صراط استقامت استوار می‌ماند، یا کنار آقایان رفرمیست با مرجعیت نظری و عملی مدرنیت غربگرا و بی‌باور به مرجعیت دین و راه امام و ولایت فقیه و همراه انواع براندازان چپ و راست علیه حقیقت نظام جمهوری اسلامی، راه می‌سپرد؟ کسانی که محور معرفتی و ایدئولوژیک و سیاسی براندازی یا استحاله‌گری آشکار یا خزنده‌شان، نفی واقعی ولایت الهی و هدایت قرآن و عترت در سوگیری جدی و عملی و زندگی روزمره و راه‌حل‌ها و نفی ولایت فقیه در عصر حاضر و در جمهوری اسلامی است.

بگذارید بی‌پرده بگوییم، آیا امروز آوینی، اگر آوینی بود، کنار آقایان میرحسین موسوی، خاتمی، سروش، حجاریان، تاج‌زاده، آقا سیدحسن خمینی و... و طیف‌های گوناگون اصولگرایان دنیازده و اصلاح‌طلبان ریز و درشت و هواداران نظام غیردینی دموکراتیک مدرن و عرفی حکومتی مدل غرب و کنار غربگرایان می‌ایستاد، یا کنار سلیمانی‌ها و سیدحسن نصرا...های محب و پیرو ولی‌فقیه، امام خامنه‌ای؟

به این امر جدا بیندیشیم

آشکارا دارای تحرکی ارتجاعی در نفی مهم‌ترین دستامد سیاسی/ دینی آن احیاکننده فراموش و حذف‌نشدنی هستند و بازگشت دیرهنگام به لیبرال دموکراسی در حال افول آخرینش، با همدستی خود رهبران غربی در بازی تغییر جهانی، برای نجات سرمایه‌سالاری بین‌المللی! و پذیرش هژمونی و نظم تازه! به‌راستی جایگاه آوینی کجاست؟ کنار سالکان قلبی و عقلی و ایمانی راه امام خمینی و منتظران ظهور امام عدل جهانی (عج)، کنار زندگان با درک و فعل ناب ایمان توحیدی و اهل البیتی و اسلام انقلابی، کنار سلیمانی و المهندس و سیدحسن نصرا... و فلسطینی‌های مؤمن و یمنی‌های مبارز و چشم به‌راه و مستضعفان انقلابی جهان، یا کنار پناهجویان شیطان دشمن‌خو و دوستان کفر محارب با اسلام؟

به این پرسش دقت کنیم

حقیقت آن است که ایمان و قلب‌ها دست خداست و البته انسان جز سعی‌اش و نیاتی که برایش می‌کوشد نیست و خدا مقدراتش را بهتر می‌داند و راسخان در علم الهی دستی به اذن پروردگارشان بر آتش دارند و سرنوشت‌ها را می‌دانند و ما نمی‌دانیم.

اما ما مردم معمولی که اگر بی‌غرض باشیم، با تکیه به دهش عقل خدادادی و شناخت و تجربه و سنجش، تواناییم که تشخیص دهیم، بنیان‌های وجودی معین قاعدتا در چه مسیری سیر، خواهد کرد! به حرکت و ادراک و عمل آوینی بنگریم. آیا هیچ شباهتی به رادیکال‌های سیاست‌پیشه دهه ۶۰ شرق‌گرا و مستبد و نهانکار دارد؟ کسانی که مسأله جدی‌شان ایمان و عبودیت و معرفت نبود، غرق انوار الهی و خرد جاودانه نبودند و یاد خدا قلوب‌شان را مملو از عشق نمی‌کرد. اسلام برای‌شان امر جدی نبود و دکیب خشنودی خدا تنها هدف‌شان نه!

اساس موجودیت را سیاست و پیشبرد جامعه بنا به رأی خود، تشکیل می‌داد. مسحور سیطره امام، جرأت بیان حقیقت‌های درونی‌شان را نداشتند و پس ظاهرا زیر علم امام، ناصادقانه و نفوذی‌وار سینه می‌زدند و فکرهای خودرأی خود را دنبال می‌کردند. یا مثل تاج‌زاده از آمریکا با تحصیل ناتمام و بدون هیچ تخصصی آمده بودند یا مثل حجاریان مبنای حقیقی وجودشان سیاست بود. بدون قبس آتش ایمان و چه زمانی که چپ بودند و چه لیبرال، در هر حال نهانکارانه یا علنی مخالف ولایت فقیه قلب میراث امام(ره) و ارکان نگرش الهی/ سیاسی ضدفرعونی و ضدسلطه‌گری‌اش بودند. در اشغال سفارت هم نگاه آنان با فداییان فرقی نداشت در حالی که نگاه امام نفی لانه شیطان بزرگ درون ما و ملت ما بود. بیایید تحولات دسته‌های سیاسی درون صف حکومت و انقلاب اسلامی را دنبال کنیم و ببینیم موقعیت درونی و بیرونی آوینی در همراهی‌شان و تحولات آنان معنادار و ممکن است؟

به بهانه سالروز شهادت

آوینی زمان

گردان تک‌نفره جبهه



علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده
عضو شورای سردبیری

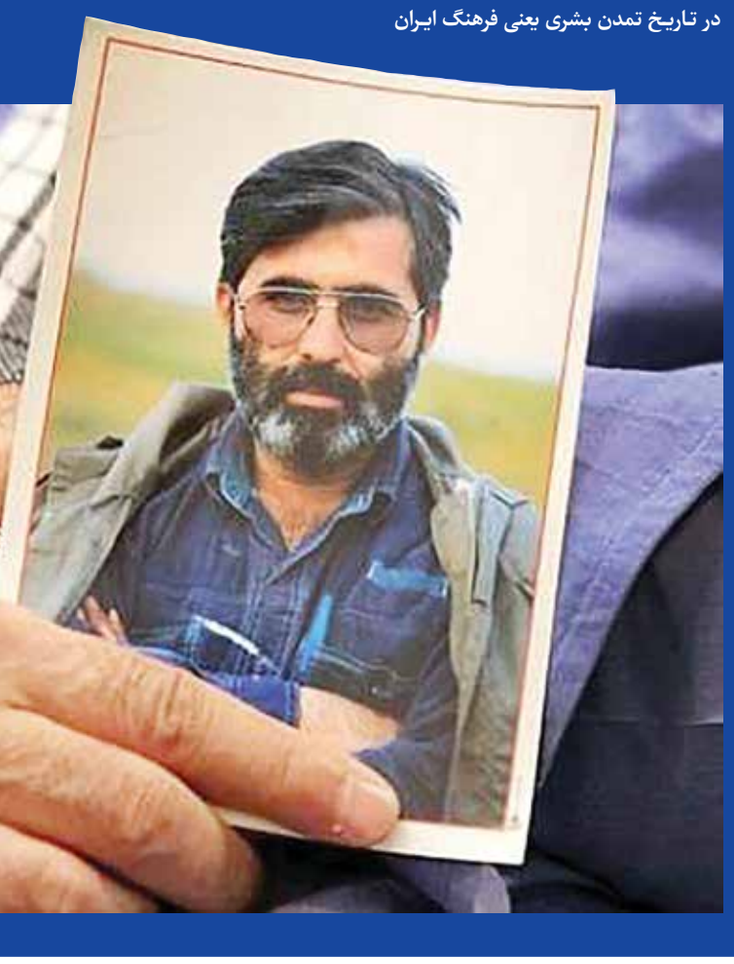
عروج سیدمرتضی آوینی ۳۰ ساله شد. در این ۳۰ سال بیش از ترویج اندیشه این نظریه‌پرداز اندیشه انقلاب اسلامی با او خاطره‌بازی کرده‌ایم . این خاطره‌بازی نتیجه همان انجام وظیفه رفع تکلیفی و تشریفاتی است که گویی به عنوان سرنوشت ناگزیر بسیاری از نهادهای موظف فرهنگی پذیرفته‌ایم و دیگر در نقد و تحلیل آن دم نمی‌زنیم. اگر می‌گویید نه، امروز باید گردان جوانان آوینی را در صف و ستاد جبهه انقلاب اسلامی می‌دیدیم.

۳۰ سال فرصت کمی نبود تا ساختار نظام فرهنگی کشور اندیشه و نظرات و منویات سیدمرتضی آوینی را به نقشه راه راهبردی با متعلقات کاربردی برای حوزه فرهنگ و هنر اندیشه انقلاب بدل کند و در یک هماهنگی جادویی و کامل از برکات آن در شکلی ساختارمند و نهادی آدم‌های متعهد و متخصص و به‌روز تربیت کند، نظریه بپروراند و کتاب و داستان و شعر و موسیقی و نمایش و فیلم و دیگر مواهب فرهنگ را مالشی جانانه دهد تا خون تازه به جان خمودهاش بیاید؟ از آن خون‌های گرم که پیکره پروار از تجربیات تاریخی و اثرگذاری در تاریخ تمدن بشری یعنی فرهنگ ایران اسلامی را به فراخور شأن و عظمتش به شور درآورد و به سماع بچرخاند ؟ آیا نمی‌شود که چنین شود؟

پاسخ روشن است؛ نه نمی‌شود؟!

این توقعات بیجا را ببرید جای دیگر، آنجاهایی که برای شخصیت‌های جعلی و تاریخ تحریفی و اندیشه یک چشم‌شان اندیشکده غول‌آسا و کارآمد تشکیل داده و دنیا را در قبضه گرفته و کاری کرده‌اند که بسیار کودک و جوان و بزرگ از زن و مرد در سرزمین تمدن‌پرور ایران غافل از جایگاه خود، همه چیزش بشود «آرمانشهر» غرب وحشی!

اصلا مگر با اهل نظر مقدم‌تر و تاریخ‌سازتر از آوینی یعنی با بزرگان حکمت ایرانی و اندیشه اسلامی؛ از سهروردی و رودکی و حافظ و سعدی و مولانا و خیام و حکما و علما و الی ماشاءا... چه کرده‌ایم که برای سید شهیدان اهل قلم‌کنیم؟ همان قدر که حافظ به کار تفأل شب یلدای‌مان می‌آید ، فقط ! و سعدی را اگر بخوانیم در حد بنی آدم اعضای یک گوهرند... و صرفا برای تفنن می‌خوانیم و همان قدر که از خیام برای توجیه بی‌انگیزگی و زبانم‌لال عادی‌سازی فعل حرام و از مولانا برای ولنگاری در عرفان و دیگر اسطوره‌های دانش و اندیشه ایران اسلامی بهره می‌بریم از آوینی هم برای خاطره‌بازی و ادای دغدغه‌مندبودن درآوردن بهره می‌بریم . سوال تاریخی تکرارشونده در



دیوارنگاره

افطار در قدس

جدیدترین دیوارنگاره خانه طراحان انقلاب اسلامی منقش به طرحی از قدس شریف در میدان جهاد رونمایی شد.

این دیوارنگاره با شعار «افطارمان در قدس» به‌مناسبت ماه مبارک رمضان و در آستانه روز قدس و منقش به موضوع برگزاری یک مراسم افطاری در قدس شریف، رونمایی شده است. علیرضا باقری طراح گرافیک، امیرحسین ربانی طراح نوشتار و سیدعلیرضا جعفری طراح نشان نوشتار این دیوارنگاره است.

در توضیح این دیوارنگاره آمده است: «برای مسجدالاقصی‌مان قفسی ساخته‌اند به سستی تار عنکبوت؛ قفسی که در همین روزها، تار و پود نداشته‌اش به هم می‌ریزد.»



رویداد

مدال برنز یک جشنواره موسیقی برای نوجوان ایرانی



یکی از هنرمندان نوجوان ایرانی با ساخت و ارائه یک اثر در سبک سونات (Sonata) مدال برنز یک جشنواره بین‌الملل موسیقی را دریافت کرد.

امیررضا اوجاقی، از هنرمندان نوجوان ایرانی است که مدال برنز جشنواره بین‌المللی «Global Music Awards» را دریافت کرد.

امیررضا اوجاقی، نوجوان ۱۷ ساله که دو سال تحت آموزش‌های مهدی عطاریان در حوزه ارکستر تک‌نفره بود، موفق شد اثری را در فرم سونات و در سبک ایرانی خلق کند که مورد توجه داوران گلوبال میوزیک اواردز قرار گیرد. این نوجوان ایرانی نام این اثر را «دلبسته» قرار داده است. گلوبال میوزیک اواردز یک جشنواره بین‌الملل موسیقی است که بدون درنظرگرفتن شهرت، ملیت و سن یک هنرمند و صرفا با شاخص قرار دادن امتیازات ذاتی یک اثر موسیقی، آن را توسط هیاتی معتبر و برجسته از داوران موسیقی مورد ارزیابی و رتبه‌بندی قرار می‌دهد. این جشنواره همه‌ساله در دو نوبت برگزار می‌شود و حتی برخی از دارندگان جایزه Grammy نیز در آن شرکت می‌کنند و برنده‌شدن در این جشنواره تحت عنوان «مهر طلایی تایید موسیقی» شناخته می‌شود.

موسیقی

«خوشه چین تاک همسایه» منتشر شد



«خوشه‌چین تاک همسایه» منتشر شد

تازه‌ترین کتاب آموزشی کیوان ساکت، آهنگساز و نوازنده تار و سه‌تار با عنوان «خوشه‌چین تاک همسایه» در دسترس مخاطبان قرار گرفت.

این آهنگساز گفت: کتاب جدیدم با عنوان خوشه‌چین تاک همسایه شامل ۲۳ آهنگ غربی از دوره باروک تا دوره رمانتیک، توسط انتشارات واریژان منتشر شد. این نوازنده افزود: این آثار ساخته بزرگان موسیقی غرب مانند موتزارت، باخ، ویوالدی، شوپن و پاگانینی است. این آثار در طول این سال‌ها با همراهی تار و ارکستر یا پیانو اجرا شده و به‌صورت آلبوم نیز ارائه شده است. وی یادآور شد: مدتی پیش تصمیم گرفتم نت این آهنگ‌ها را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهم؛ از این‌رو نت این آثار را هم برای ساز پیانو و هم برای ساز تار در این دفتر نوشتیم و هنرجویان و علاقه‌مندان هر دو ساز می‌توانند از آن بهره ببرند.

ساکت در پایان بیان کرد: این کتاب برای هنرجویان دوره عالی تار و سه‌تار است و نوازندگان عود هم می‌توانند از این کتاب استفاده کنند.